

بنام خدا

با سلام خدمت جناب آقای شهبازی که راه و روش درست زندگی کردن را به ما آموزش می‌دهید. و با تشکر از زحمات بی دریغانه ی شما و همچنین با تشکر از اعضای گنج حضور که با مطالب خود ما را بیشتر راهنمایی میکنند. می خواهم چند بیت از برنامه ی ۹۰۵ را به اشتراک بگذارم:

شاد آن صوفی که رزقش کم شود

ان شبه ش در گردد و او یم شود

دفتر چهارم، بیت ۱۸۶۰

خوشا به حال آن درویشی که روزی مادی اش کم شود؛ سنگ بی مقدار او به مروارید مبدل شود و روحی دریا آسا پیدا کند. («شبه») در اینجا کنایه از جنبه ی مادی این جهانی انسان؛ «در» کنایه از جنبه ی معنوی و آن جهانی اوست. و «یم» کنایه از وجود بیکران است. پس هر گاه آدمی وجود دنیایی خود را در حقیقت مطلق محو وفانی سازد خود به دریای هستی بیکران مبدل شود.

زان جرای خاص هر که آگاه شد

او سزای قرب و اجری گاه شد

دفتر چهارم، بیت ۱۸۶۱

هر کس از جیره ی خاص الهی مطلع باشد؛ او شایسته ی مقام قرب و منبع فیض الهی گردد.

زان جرای روح چون نقصان شود

جانش از نقصان آن لرزان شود

دفتر چهارم، بیت ۱۸۶۲

هر گاه از آن جیره ی روح چیزی کاسته شود؛ روح صوفی بر اثر آن کاستی دچار پریشانی و اضطراب گردد؛ (وقتی غذای روحی به قلب صوفی کم برسد به پریشانی دچار شود و از این کاهش متوجه می شود که حتما خللی در کار سلوک او بوده است؛ چنانکه میفرماید:

پس بداند که خطایی رفته است

که سمن زار رضا آشفته است

دفتر چهارم، بیت ۱۸۶۳

پس بدین ترتیب آن صوفی خواهد فهمید که حتما خطایی از او سرزده که موجب آشفته‌گی بوستان رضا و خشنودی پادشاه حقیقی هستی شده است. (در می یابد که گناهی مرتکب شده و حضرت حق را از خود ناراضی کرده است. پس در این وقت توبه و اعتراف به قصور و تقصیر خود لازم است. و آن صوفی چون تجلیات حق را مکشوف نمی بیند در می یابد که گناهی از او سرزده است.)

با تشکر ارادتمند شما، خورشید از مهاباد